

نقد، بررسی و تحقیق

نقد آنچه گذشت، بررسی و بیان مبانی مسئله و تحقیق در پاسخ به پرسش هایی که گذشت، با بیان چند امر سامان می یابد، بدین قرار:

۱. واضح است که ما در مجال حاضر با مصطلحی خاص و برآمده از نصوص دینی مواجه نیستیم تا از مفهوم شناسی و عناصر شناسی آن گفتگو کنیم، هرچند باید بدانیم دنبال چه هستیم و قدر متیقن از مطلوب چیست؟ بنابراین، تعابیری چون «حکومت اسلامی»؛ «حکومت شرعی»؛ «حکومت بر اساس شریعت»؛ «جمهوری اسلامی» موضوعیت ندارد و ما در انتخاب تعبیر، آزاد هستیم.

البته مناسب است در انتخاب تعبیر - حتی الامکان - مراعات اسم و محتوا بشود، مثلاً تعبیر «جمهوری اسلامی» وقتی به کار بسته شود که آرای مردم در حکومت موثر باشد و با فرض عدم اعتقاد به این تاثیر از کار بسته این واژه پرهیز شود. البته سایر تعابیر مورد اشاره، قابلیت کار بست در هر دو فرض (اعتقاد به جمهوریت و عدم آن) را دارد. با این وصف، عناوین مذکور و امثال آن، می تواند مقول به تشکیک باشد، هرچند قدر متیقنی دارد و یک یا چند عنصر - علی التعمین یا علی البدل - مقوم آن ها به شمار می آید.

۲. از عناصر مقوم در حکومت اسلامی (یا تعابیری شبیه این) اداره جامعه بر اساس شریعت جامع است. منظور از شریعت جامع، مجموعه مقرراتی از اسلام است که با مقاصد عالی شریعت سازگار و - بالاتر - به پیاده شدن آنها کمک میکند. البته ممکن است تخلفاتی اندک در اجرای مقررات وجود داشته باشد که به نام مثل «حکومت بر اساس شریعت» و «حکومت اسلامی» را لطمه نزنند. بر این بنیان:

أ. حکومت یرتخلف از مقررات شرعی و غیر صالح حکومت اسلامی نیست؛ هرچند ممکن است حفظ آن لازم باشد.

ب. حکومت بر اساس مقررات غیر وارد از اهل بیت - علیهم السلام - اسلامی نیست.

ج. حکومت بر اساس محض مقررات شرعی نما بدون توجه به مقاصد خداوند در بعث رسل، انزال کتب و تشریح مقررات اسلامی نخواهد بود.

۳. واضح است که شریعت، عریان و واضح در اختیار فقیهان امامیه در عصر غیبت نیست، و در متن و اطراف آن اختلاف بسیار! به عنوان مثال فقهی که در روابط بین الملل اصل را بر تقابل با دیگران و تحریم قرار می دهد با فقهی که چنین نمی اندیشد و تا ساخت خانه مشترک بشریت با حفظ باورها پیش می رود، تفسیر شان از حکومت بر اساس شریعت متفاوت خواهد بود. همچنین فقیه معتقد به بسط گستره شریعت به همه شئون و فقیه غیر معتقد به این بسط، دو قرائت از حکومت اسلامی دارند. طبیعی است که در اینجا به دلیل مواجه نبودن با یک عنوان خاص شرعی، در دوران امر بین اقل و اکثر باید به حداقل اکتفا کرد و در دوران امر بین متباینین یا باید نظر مشهور را معیار قرار داد و یا هر گزینه حاصل شد، به آن اکتفا کرد. دقت کنید.

۴. آنچه در مجال حاضر، قابل بحث و گفتگو است، حصر اجرای شریعت از طریق خاص و غیر آن است؟ با این توضیح که آیا در حکومت اسلامی شریعت در شکل و فرم خاصی پیاده و اجرا شود و این فرم خاص از مقوم‌های حکومت اسلامی به شمار می آید یا در صدق این عنوان، فسحه و فراغی وجود دارد که فرم های مختلف را می پذیرد؟ ممکن است گفته شود: از آنجا که ما در بحث، درگیر صدق عنوان خاصی نیستیم، قهراً پی گرفتن این بحث کم فایده خواهد بود.

در پاسخ می توان گفت: بحث از مشروعیت و عدم مشروعیت فرم های گوناگون و تعیین مدل کامل از غیر آن نیز از فواید جانبی این گفتگو است؛ قهراً پیگیری مزبور لازم و پرثمر خواهد بود. به هر حال فرم های معقول و قابل تصور (همراه با داوری در اطراف آنها) به قرار زیر است:

أ. آنچه در مثل قانون اساسی ج. ا. ایران (مصوب ۱۳۶۸) آمده است که رهبری بر عهده فقیه عادل و حکیم باشد و او در هرم قدرت باشد. واضح است که بر اساس باور امامیه قدر متیقن از حکومت اسلامی، این نوع از حکومت است. البته این شکل کامل، لوازم و تبعاتی هم دارد که باید به شدت آنها را رصد کرد.